

بهاران خجسته باد!



در آستانه سال جدیدی قرار داریم. سر فصل نوئی در زندگی طبیعت شروع به آغازیدن کرده است. شبهای سیاه و طولانی زمستان، مغلوب انوار زرین خورشید فروزان می شود و بهار با طبیعت زیبا و طرب انگیزش از راه می رسد و سبزی و خرمی بهاره، نسیم فرحبخش آن و طراوت گلهای نارس بهاری، نوید پایان زمستان سرد و سخت را می دهند. در این بهار و در آغاز سال ۱۳۸۷ برای خلقهای دربند ایران و بخصوص برای کارگران و زحمتکشان که مبارزات سترگشان بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیست اش، نوید بخش پایان زمستان تاریک و خفقان آوری ست که به دست این دشمنان بر سرزمین ما حاکم گشته، آرزوی موفقیت و بهروزی می کنیم.

باشد که سال نو، سال پیشرفت و موفقیتهای مبارزاتی هر چه بیشتر برای کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و تمامی خلقهای ستمدیده مان در پیکار به منظور سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی برای رسیدن به آزادی و سوسیالیسم در ایران باشد.

"انتخاباتی" که به جای "انتخابات" جا زده می شود!

در آستانه دور جدیدی از انتصابات حکومتی رژیم جمهوری اسلامی هستیم. در این دور زیر نام انتخابات دور هشتم مجلس شورای اسلامی شاهد شدت گیری تلاشهای مقامات حکومت برای گرم کردن تنور انتخابات از طریق پخش وسیعترین اکاذیب به منظور ترغیب و تحریک مردم برای حضور در این انتصابات و یا بقول آنها "انتخابات" می باشیم. آنها روز ۲۴ اسفند (روز باصلاح انتخابات) را روز "اتحاد ملی" و نمایش "انسجام ملی" نام گذاری کرده اند. "ولی فقیه" یعنی رهبر جنایتکار این رژیم نیز با تلاشی مذبوحانه برای گرفتن پز "ملی" از مجلس بی اختیار، که از آن به عنوان "خانه ملت" نام می برد، با وفاحت از مردم می خواهد که فریب تبلیغات "دشمن" را نخورده و با حضور در حوزه های رأی گیری، "نمایندگان اصلح" خود را انتخاب کنند؛ آن هم درست در شرایطی که همگان شاهد موج بزرگی از وحشیانه ترین تهاجمات ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی به مردم تحت ستم و خشمگین از مظالم این حکومت در سراسر جامعه هستند. در شرایطی که در گوشه و کنار کشور و در معابر عمومی چوبه های دار برپا گشته، در شرایطی که کارگران را به جرم شرکت در مراسم روزجهانی خودشان به تازیانه می بندند، در شرایطی که گروه گروه دانشجویان مبارز را به بند می کشند و شکنجه می کنند، زنان را در کوچه و خیابان مورد شنیع ترین اهانت ها و ضرب و شتم ها قرار می دهند و خلاصه در شرایطی که دیو استبداد می کوشد با ارتکاب به جنایات هر چه دهشتناک تر و نمایش آنان در مقابل دید همگان از توده های به جان آمده و به پاخاسته زهر چشم بگیرد، بله! در چنین شرایطی ست که رهبران جنایت پیشه نظام به صحنه آمده اند و برای فریب توده ها دم از ضرورت شرکت در "انتخاباتی" می زنند که هر نامی را می توان بر آن گذارد به غیر از انتخابات!

"انتصابات" مجلس هشتم را باید به حق یکی از رسواترین نمایشات انتخاباتی جمهوری اسلامی نامید. مجریان این معرکه در همان مراحل اولیه به اصطلاح انتخابات، صلاحیت قریب به یک سوم از "خودی های" موسوم به اصلاح طلب کاندید احراز پست نمایندگی را رد کرده اند.



آنها کسانی را فاقد صلاحیت نمایندگی قلمداد کرده اند که همگی سالها در رکاب این رژیم گام برداشته و لیست بالا بلندی از خدمت در امر سرکوب و استعمار توده های تحت ستم را پدک می کشند. آنها روزی با ادعای ایجاد اصلاحات در جامعه وسیعاً دست به فریب توده ها زده و برای حفظ و تحکیم رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از هیچ تلاش ضد انقلابی کوتاهی نکردند. اما هنگامی که توده های رنج دیده ایران در جریان مبارزات خود پرده از چهره فریبکار آنان برداشتند، آنها نیز تاریخ مصرف خود را از دست دادند. در چنین شرایطی است که گردانندگان نظام با قلع و قمع بدون تعارف بخشی از دارو دسته های موسوم به اصلاح طلب حکومتی در کارزار "انتخاباتی" جاری، نشان داده اند که دیکتاتوری حاکم در دور جاری انتخابات حکومتی ظرفیت و حتی تحمل حضور "مخالفین درونی" در مجلس فرمایشی و تحت کنترل خود را هم به شکل سابق ندارند. به این ترتیب شعارهای اخیر مقامات رژیم در مورد "انسجام"، "وحدت ملی" و "انتخابات" و ... آن قدر در افکار عمومی مفتضح شده است که حتی شماری از کارگزاران و مقامات حکومت نیز با اظهار نگرانی از "سردی" و رسوایی نمایش انتخاباتی مجلس هشتم برای سوار شدن بر موج نارضایتی و تنفر توده ها از این مضحکه و برای فریب آنها، در اینجا و آنجا جار می زنند که به علت شدت انحصارطلبی جناح های رقیب حکومتی و "سرد" بودن تنور این انتخابات، ظاهراً با انتخابات "قهر" کرده اند!

برغم تمامی این واقعیات نکته ای که در کوران نمایشات انتخاباتی اخیر به چشم می خورد همانا کوشش رسوای طیفی از جریانات و افراد اپوزیسیون ضد انقلابی رژیم است که با دنائت تمام تلاش می کنند با توسل به دروغپردازی و عوامفریبی پا به پای گردانندگان این حکومت ضد خلقی، مردم به جان آمده را به شرکت در شعبده بازی انتخاباتی اخیر و بازی در بساطی که حکومت پهن کرده است ترغیب کنند. می توان گفت توده های مبارز ما آنقدر نسبت به شعبده بازی "انتخاباتی" رژیم بی اعتنا هستند که اینان برای دست و پا کردن مشروعیت توده ای برای این رژیم سراپا ضد خلقی و سرکوبگر جمهوری اسلامی وارد میدان شده اند. از جمله افراد این طیف، مرتجعین و جانیان چکمه لیس "اکثریتی" قرار دارند که در راستای پیشبرد چنان هدف نامقدسی، با وجود اذعان فریبکارانه به پوشالی و فرمایشی بودن انتخابات مجلس، از مردم می خواهند که بجای تحریم این انتخابات ضمن شرکت در این شعبده بازی، از جمله با اصطلاح دادن "رای سفید" مخالفت خویش با جناح "راست"، "اصولگرا" و "بنیادگرای" حکومت را نشان دهند! و یا از "کارزار انتخاباتی" جاری به عنوان فرصتی برای طرح "مطالبات دمکراتیک" مردم و "تمرکز نیرو برای عقب نشاندن جریان راست افراطی" استفاده کنند. در شرایطی که حتی نا آگاه ترین بخشهای جامعه هم با مشاهده اوضاع جاری کمترین توهمی نسبت به مسخره بودن نمایش انتخاباتی اخیر ندارند و برخورد درست را بی اعتنا گذشتن از کنار آن می دانند، طیف نامبرده به هر طریق ممکن می کوشند که تنور به اصطلاح انتخابات را گرم نموده و توده ها را به پای صندوق های رأی بکشانند. مثلاً آنها مطرح می کنند که شعار رأی سفید و یا تمرکز نیرو برای به عقب راندن جناح راست حکومت را به خاطر تقویت جناح بااصطلاح غیر راست

حکومت (یعنی اصلاح طلبان فریبکار حکومتی) سر می دهند. در حالی که در واقعیت رأی مردم مثل همه به اصطلاح انتخابات جمهوری اسلامی بهیچوجه در انتخاب این یا آن عنصر برای احراز این یا آن مقام تأثیری ندارد. آنچه برای این رژیم دارای اهمیت است همانا کشاندن مردم به پای صندوق هاست تا در تبلیغات از آن به نفع خود استفاده نماید. نوکران "اکثریتی" و دیگر عناصر اپوزیسیون ضد انقلابی رژیم نیز درست برای رونق بخشیدن به بساط انتخاباتی دیکتاتوری حاکم است که تلاش می کنند.

تجربه سالها حاکمیت دارو دسته های مختلف از رفسنجانی و خامنه ای گرفته تا خاتمی و احمدی نژاد نشان داده که آنها ماهیتاً کوچکترین فرقی در حفظ اساس نظام ضد مردمی حاکم یعنی بورژوازی وابسته به امپریالیسم در ایران نداشته و ندارند و اتفاقاً در تجربه زندگی توده های تحت ستم، مردم با گفتن "سگ زرد برادر شغال است" به درستی ماهیت یکسان آنها را آشکار ساخته اند و تجربه قریب به سه دهه حاکمیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی جای شکی در این حقیقت باقی نمی گذارد که تمامی نمایشات انتخاباتی این رژیم بدون استثنا به غایت ضد دمکراتیک و فرمایشی بوده اند و مضحکه کنونی نیز از این نظر تفاوتی با انتخابات های قبلی ندارد. اما برای نشان دادن عمق ایده ها و تبلیغات ضد انقلابی طیف مذکور به منظور تلاش برای اغوای توده های تحت ستم و تشویق آنها به شرکت در نمایشات انتخاباتی مجلس لازم است تا یکبار دیگر برخی از واقعیاتی که در جریان چندین دوره نمایشات انتخاباتی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و در بستر تجربه عینی توده های تحت ستم ما از این نمایشات جمع بندی شده و معیار شناخت توده های ستم دیده ولی آگاه ما قرار گرفته است یادآوری گردند.

اول آنکه تجربه قریب به سه دهه حاکمیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به عینه ثابت کرده که با وجود حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته، نظامی که روینای سیاسی ذاتی آن را یک دیکتاتوری عریان تشکیل داده و کمترین مطالبات صنفی و سیاسی کارگران و خلقهای ستم دیده با قوه زور سازمان یافته و مطلق العنان پاسخ داده می شود، نظامی که در آن از کمترین آزادیهای رأیج در جوامع سرمایه داری نظیر حق آزادی بیان، قلم، تشکل و اعتصاب و ... (هرچند به صورت ناقص و صوری) خبری نیست، به هیچ وجه نمی توان از یک انتخابات با حداقل معیارهای دمکراتیک سخن گفت. برعکس در چنین نظام دیکتاتوری ای، توده های تحت ستم ما حتی از این امتیاز که مانند سایر جوامع بورژوازی هر چند سال یکبار طبقه حاکم به آنها امکان دهد که با رأی شان یکی از دارودسته های حاکم را به عنوان چپاولگران دور بعدی انتخاب نمایند نیز محروم هستند. به اعتبار حقیقت فوق، آن چه که تا کنون زیر نام "انتخابات" در این نظام سازمان داده شده، جز انتخاباتی حکومتی نبوده که در بالاترین سطح هرم دیکتاتوری بر روی نتایج آن تصمیم گیری شده و سپس تلاش شده تا با برگزاری نمایشات انتخاباتی به آن تصمیم گیری ها رسمیت و قانونیت داده شود.

در چنین سیستم انتخاباتی ای معیار نه رأی توده ها بلکه



عزم گردانندگان نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است که نتیجه آن برغم هر رأیی (اعم از "سفید" و "غیر سفید") که مردم ناآگاه به صندوقها ریخته باشند از این صندوقها بیرون می آید و غیر منتظره نیست که در آخرین پرده از چنین سیستم انتخاباتی ای (انتخابات ریاست جمهوری) می بینیم که به اعتراف برخی از کارگزاران رژیم "یک میلیون رأی" کروی مزدور به نفع احمدی نژاد جنایتکار به آسانی جابجا و حذف می شود!

اما درست به همان اندازه که نظر و رأی شرکت کنندگان در این معرکه گیریهای انتخاباتی برای رژیم مهم نیست، شمار بالای آراء اعلام شده در هر انتخابات برای گردانندگان نظام حیاتی ست. چرا که شمار بالای آراء استخراج شده از صندوقهای مارگری جمهوری اسلامی، در افکار عمومی و بویژه در سطح بین المللی مبنای تبلیغات مبتنی بر داشتن "پایه مردمی" و "مشروعیت" بخشیدن به چهره ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی ست. واقعیتی که از یک سو توضیح دهنده چرایی تلاشهای بی وقفه گردانندگان جمهوری اسلامی و وابستگان رسمی و غیر رسمی آنها برای ترغیب مردم به مشارکت در نمایشات انتخاباتی بوده و از سوی دیگر توضیح دهنده اساس تقلبات و جعلیات و آمارسازی های مقامات حکومت در هردوره بنا به مصالح اش راجع به تعداد واجدین حق رأی می باشد.

نمایشات پوشالین انتخاباتی جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته یک درس دیگر هم برای مردم آگاه و مبارز ما داشته است و آن این که آن چه برای دارودسته های مختلف درون حکومت از "معتدل" و اصلاح طلب گرفته تا "راست" و "افراطی" و "اصول گرا" در تمام شرایط و بدون استثنا هدف اساسی ست همانا حفظ و صیانت نظام دیکتاتوری حاکم از گزند جنبش های اعتراضی توده ها و دفاع از منافع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته به هر قیمت بوده و می باشد. این واقعیت را تمامی این جناح ها در جریان زمامداری خود در دوره های مختلف و بویژه در جریان ۸ سال حکومت دار و دسته خاتمی فریبکار به عینه نشان داده اند. در نتیجه اگر در آستانه هر یک از این نمایشات انتخاباتی، ما شاهد تشدید تبلیغات واهی و گزافه گویی در مورد "اختلافات" جناح های متخاصم و "برنامه های" گوناگون آنان هستیم، علت این است که آنها می کوشند تا با ایجاد توهم راجع به ظرفیت تضادهای درونی رژیم و نمایش یک جناح به عنوان باصلاح ناجی توده ها، مردم بیشتری را به امید تغییر در وضع نکبت بار زندگی خود به پای صندوق های رأی بکشانند. اما این تاکتیک بخش دیگری از سیاستهای ضد خلقی طبقه حاکم برای فریفتن و اغوا کردن توده هاست که بویژه در سالهای اخیر به آن اتکا می گردد و فاقد کمترین عنصر واقعی ست. در معرکه اخیر عناصر اپوزسیون ضد انقلابی نیز به کمک رژیم آمده اند تا این پیام مسموم را پخش کنند که مردم باید در انتخابات فرمایشی شرکت کنند تا اصلاح طلبان را به مجلس بفرستند و از میان بد و بدتر یکی را انتخاب کنند. در حالی که تجربه نشان داده که هیچ یک از دارو دسته های درون حکومت برغم اختلافات واقعی ای که با یکدیگر در چگونگی حفظ نظام دارند، تا آنجا که به امر استثمار و سرکوب توده ها و پاسخگوئی به معضلات واقعی زندگی آنها نظیر فقر و بیکاری و گرانی و تورم و فحشا و اعتیاد بر می گردد، کاملاً با یکدیگر متفق القول و همدستند.

مردم تحت ستم ما کاملاً متوجه این امر هستند که نمایشات انتخاباتی مجلس هشتم همچون تمامی "انتخابات" دیگر جمهوری اسلامی کمترین منافع برای آنها ندارد و درست به همین دلیل این انتصابات بار دیگر با بی اعتنایی گسترده کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان و خلقهای تحت ستم روبرو خواهد شد. چرا که رأی واقعی کارگران و توده های رنج دیده ما در فریادهای رسای روزمره آنها در جامعه تحت سلطه ماست که هر روز با شدت تمام و با شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، ما حکومت اسلامی نمی خواهیم"، "ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم" و... پژواک می یابد و خبر از تداوم مقاومت و مبارزه علیه رژیم سرکوبگری می دهد که سرنوشت آن نه در پای صندوق های رأی نمایشات انتخاباتی بلکه در زیر امواج سهمگین پیکار توده های آگاه و به پا خاسته برای سرنوشتی آن تعیین خواهد گشت.

تشدید اعدامها. تلاشی برای مرعوب کردن مردم!

سردار نبی الله حیدری فرمانده نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی در استان مرکزی اخیراً طی مصاحبه ای با خبرنگاران اعلام کرد که در سال ۱۳۸۶ شمسی تنها در این استان ۳۹ مورد اعدام صورت گرفته که از این تعداد ۹ مورد در ملاء عام و ۳۰ مورد در زندانهای رژیم به مرحله اجرا درآمده است. همچنین بنا به اخبار منتشره هم اکنون حداقل ۶ زن در سپاهچالهای جمهوری اسلامی در انتظار تأیید احکام ضد انسانی سنگسار از سوی مقامات رژیم و در معرض مرگ با این شیوه وحشیانه هستند.

این اخبار درحالی اعلام و توسط ماشین تبلیغاتی حکومت تبلیغ می گردد که مطابق گزارشات منتشر شده استبداد حاکم تنها در طول سال گذشته میلادی ۲۹۰ تن را به اتهامات مختلف اعدام کرده است. این اعدامها که شمار چشمگیری از آنان در ملاء عام انجام پذیرفته نسبت به سال گذشته بیانگر یک افزایش صد در صد می باشد. این امر رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را همچون سالهای گذشته در رأس کشورهای رکورد دار اعدام در سطح جهانی قرار داده است. با توجه به این واقعیت که مبنای آمار فوق اساساً بر گزارشات رسمی خود حکومت قرار دارد و اعدامهای غیر رسمی و اعلام نشده را در بر نمی گیرد میتوان به گوشه ای از وسعت وحشیگری جمهوری اسلامی در حق توده های تحت ستم و استفاده بی مهابای این رژیم از اعدام قربانیان جرایم اجتماعی و مخالفین سیاسی پی برد.

واقعیت این است که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی از اولین روز به قدرت رسیدنش نشان داده است که اعدام جوانان جزء ذاتی آن می باشد. این واقعیت را مردم ما بطور مثال در جریان سرکوبهای هولناک دهه ۶۰ و دریای خونی که جمهوری اسلامی با اعدام هزاران تن از مخالفین سیاسی خویش براه انداخت به عینه دیده اند. ادامه در صفحه ۴



کشاکش های آنها در سطح بین المللی گره خورده است. در عین حال آنها با امواج پی در پی و متراکم اعتراضات کارگران و زحمتکشان، زنان، دانشجویان و جوانان و ملت‌های ستمدیده و محرومی روبرو می باشند که کمربندشان در زیر بار گرسنگی و بیکاری، فقر و گرانی و بی عدالتی و سرکوبهای روزمره حکومت خم شده و هرروز با کوچکترین بهانه ای به اعتصاب و شورش و اعتراض بر علیه دستگاه فاسد حکومتی می پردازند. در چنین شرایطی ست که دیکتاتوری حاکم در هراس از آینده خویش هر چه بیشتر به سلاح سرکوب و خفقان و بگیر و ببند و شکنجه و زندان و اعدام روی می آورد تا به خیال خود ضمن تشدید قهر ضد انقلابی امکانات کنترل خود بر جان و مال توده های رنجدیده و به پاخاسته را فرونی بخشیده و آنها را هر چه بیشتر مرعوب نماید. واقعیت این است که زندان، شکنجه و احکام سنگسار و گسترش نمایش مرگ بر سر چوبه های دار در معابر عمومی، پیامی ضد خلقی از سوی دیکتاتوری حاکم به توده های معترض و به خشم آمده ماست. از ورای این پیام، دیکتاتوری حاکم می کوشد حاکمیت بحرانی خویش در انظار توده ها را قدر قدرت و بلامنازع جلوه دهد. اما تشدید سرکوب از جنبه دیگر خود انعکاس عجز و استیصال رژیم سرکوبگری ست که می بیند برغم تمامی وحشیگریهایش در حق مردم به جان آمده هنوز قادر به مرعوب ساختن کامل جنبش توده ها و خشم و نفرت آنها نیست و هر روز با موج نوینی از مبارزات و مقاومت های توده ای به مثابه پاسخ توده های مبارز به پاخاسته به استبداد حاکم روبروست.

علاوه بر کاربرد اعدام به عنوان وسیله ای برای سرکوب و نابودی نیروهای جنبش انقلابی توده ها، در طول حاکمیت این رژیم ما با شمار بسیار زیادی از اعدامهایی روبرو بوده ایم که زیر نام باصطلاح مبارزه با جرایم اجتماعی نظیر قاچاق مواد مخدر، شراقت، تجاوز به عنف، زنا و ... سازمان یافته است. در حقیقت در هر زمینه ای، تجربه حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی نشان می دهد که در هر مقطع و به هر دلیلی که بحران نظام حاکم حدت یافته، سردمداران جنایتکار رژیم با تشدید سرکوب مردم و بویژه با براه انداختن هر چه وسیعتر بساط دار و شکنجه در معابر عمومی و نمایش جنایات خود، به حربه ایجاد رعب و وحشت و خفقان در سطح جامعه متوسل شده اند تا جنبش اعتراضی توده ها را مرعوب کرده و از توده های مبارز زهر چشم بگیرند تا به این ترتیب سلطه اختناق و دیکتاتوری در جامعه تحت سلطه ما را هر چه بیشتر مستحکم سازند. بی دلیل نیست که در یکی دو سال اخیر ما به طور تصاعدی شاهد افزایش شدید اعدامها، سنگسارها و رها کردن اجساد بدار کشیده شده قربانیان دستگاه سرکوب حکومت در ملاء عام و تبلیغ شدت قساوت و وحشیگری رژیم حاکم در سطح جامعه هستیم.

امروز نیز رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در یک شرایط بحرانی قرار گرفته است. سران این رژیم از یک سو نگران سرنوشت رژیم خود در جنجال مربوط به پرونده هسته ای جمهوری اسلامی هستند که تصمیم گیری قطعی بر سر آن مطلقاً به اراده اربابان جهانی این رژیم، چگونگی منافع و

دانشجویان دانشگاه شیراز: "ما زن و مرد جنگیم! جنگ تا بجنگیم!"

در آستانه روز جهانی زن، دانشجویان مبارز دانشگاه شیراز با سر دادن شعار "ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا بجنگیم"، جلوه دیگری از همبستگی مبارزاتی بین زنان و مردان جامعه تحت سلطه ما و سطح بالای آگاهی مبارزاتی خود در پیکار بر علیه رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش گذاردند.

در اواسط اسفند ماه دانشجویان معترض دانشگاه شیراز در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم ومقامات دانشگاه و برای کسب مطالبات صنفی خود به یک تجمع اعتراضی در دانشگاه دست زدند که چندین روز به طول انجامید. خواستهای دانشجویان معترض برکناری رئیس دست نشانده دانشگاه و عدم هرگونه دخالت مقامات در انتخابات تشکلهای صنفی دانشجویان و لغو فوری طرح ارتجاعی جداسازی دانشجویان دختر و پسر از همدیگر در دانشگاه ها بود. در اوج این حرکت اعتراضی، بنا به گزارشات منتشره صدها تن از دانشجویان با تجمع در مقابل تالار فجر این دانشگاه یعنی محل سخنرانی صادقی، رئیس دانشگاه بود که با یورش نیروهای حراست دانشگاه مواجه شد. دانشجویان مبارز شعار می دادند: «گر تیر و فتنه بارد، جنبش ادامه دارد»، «ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا بجنگیم»، «مفسد اقتصادی اخراج باید گردد»، «منادی عدالت، خجالت خجالت».

اعتراض دلاورانه دانشجویان دانشگاه شیراز در شرایطی اتفاق افتاد که برغم سرکوب وحشیانه اعتراضات دانشجویی اخیر توسط رژیم جمهوری اسلامی و به بند کشیدن ده ها تن از فعالین دانشجویی و برغم فشارهای همه جانبه وزارت اطلاعات و ارگانهای سرکوب درون دانشگاه ها بر دانشجویان موج تازه ای از اعتراضات دانشجویی دانشگاه های کشور را فرا گرفته است. نکته برجسته حرکت اخیر دانشجویان مبارز دانشگاه شیراز، سردادن شعارهایی مبارزاتی در تاکید بر نقش پیشرو زنان مبارز در آستانه روز جهانی زن بود که بار دیگر درجه رشد آگاهی در صفوف دانشجویان مبارز و همبستگی مبارزاتی بین زنان و مردان مبارز در دانشگاه ها را به نمایش گذارد. دانشجویان مبارز با سر دادن شعار فوق الذکر نشان دادند که برغم تمامی تشبثات ضد انقلابی جمهوری اسلامی برای تضعیف جنبش انقلابی کارگران و توده های تحت ستم ما که از جمله از طریق تشدید سرکوب و تبلیغات ارتجاعی بر علیه زنان و ایجاد شکاف و جداسازی در بین صفوف مبارزاتی مردان و زنان به کار گرفته است، زنان و مردان مبارز دوش به دوش یکدیگر در جنبش انقلابی ای که هدف آن بر افکندن نظام و رژیم ضد خلقی موجود می باشد، شرکت کرده و تسلیم تبلیغات ارتجاع نمی گردند. شایان ذکر است که تلاش و سیاست ضد انقلابی جمهوری اسلامی برای پیشبرد طرح جداسازی زنان و مردان در دانشگاه های کشور به شدت از طرف دانشجویان آگاه و مبارز مورد حمله قرار گرفته و به یکی از عرصه های مبارزه و مقاومت بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در دانشگاه ها تبدیل شده است.

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.siahkal.com>

<http://www.fadaee.org>

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه رفیق اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران: 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

نشانی پست الکترونیک: ipfq@hotmail.com

پیروز باد انقلاب!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

زنده باد کمونیزم!

